

عاقبت بخیر میدان جهاد

عبدالحسین مهدوی



مدرسه شما هم سحرها، مناجات می‌گذارند؟! عجب شکنجه‌ای است! هم عذاب وجدان طلبگی و نماز شب و این حرفها را داری، هم سوز سرما و پتو و شوفاز و خلاصه قید و بندهای این شکلی. چنین موقعیتی خودش به تنهایی می‌تواند یکی از رقابت‌های سنگین دنیا به حساب بیاید.

اما این بار از خواب پریدم. نه اینکه پتو بیچم به خودم و بیایم بیرون، نه! حتی دمپایی هم یادم رفت. اولش فکر کردم شاید چون دیشب دیر خوابیدم، صدای مناجات بیدارم نکرده، اما ساعت را خوب ورنانداز کردم، مطمئن شدم اتفاقی افتاده! به جای حاج منصور و دعای کمیل، عبدالباسط داشت الرحمن می‌خواند. گوشی هم که در مدرسه ممنوع است! پس از کجا بفهمم چه خبر شده؟! می‌خواستم بدوّم سمت اتاق صوت که هم‌مباحثه‌ایم انگار از آنجا بر می‌گشت. دمغ بود و گفت: «آیت‌الله صافی» فوت کردند. با اینکه ارتباط زیادی با ایشان نداشتم ولی عظمت مرجعیت، خبر را هولناک کرده بود. وضو می‌گرفتم و فکرم مشغول چیزهایی بود که از ایشان می‌دانستم. «المنتخب الأثر فی إمام الثانی عشر» ایستگاه اول و آخرم ذهنم بود. بعید است در تاکسی شنیده باشم، فکر کنم در ماشین پدر، استاد یا رفیقی بود؛ رادیو معارف داشت می‌گفت: «این کتاب به سفارش مرحوم آیت‌الله بروجردی و به کوشش آیت‌الله صافی گلپایگانی در موضوع مهدویت نگاشته شده و...»

بچه‌های بسیج مدرسه که چند روزی بود برای دهه‌ی فجر آذین‌بندی کرده بودند، چند پرچم مشکی هم زدند. صبح که اساتید آمدند، هر کدام مطلبی گفتند و کلیپی از همین کلیپ‌ها که دیده‌ایم نشانمان دادند؛ «شعرخوانی آیت‌الله صافی» و «دیدار با شیخ اکرم الکعبی - دبیر جنبش نجباء عراق-»، «روضه بنی‌فاطمه» و... خلاصه با آیت‌الله صافی بیشتر آشنا شدیم. یکی دو ساعت که از درس‌ها مان گذشت، گفتند آیت‌الله اعرافی حوزه را تعطیل کرده. با اینکه همه از تعطیلی به هر بهانه‌ای خوششان می‌آید ولی باز سر فایده این جور

تعطیلی‌ها بحث می‌شود. علیرغم میل عده‌ای، آن روز درس برقرار بود ولی فردا که روز تشییع بود، مدرسه را تعطیل کردند تا استاد و شاگرد بروند تشییع. در عالم بی‌خبری خودم به رفقا گفتم زود برویم که اگر مراسم خلوت بود، زیر تابوت را بگیریم، چه می‌دانستم اینطور می‌شود. ۸ و نیم بود، یعنی حدود یک ساعت مانده به ساعت اعلام شده. آنها که زودتر آمده بودند، نشسته بودند کنار زنده‌های مدرسه امام خمینی (ره) و وسط میدان و پله‌های ساختمان شهرداری و در حال گوش دادن به صوت مراسم، منتظر آمدن تابوت بودند. نمی‌دانم اول «یا حسین» به گوشم رسید یا «الله‌اکبر»، ولی هر چه بود سرم را چرخاند و دلم را لرزاند. تابوت بزرگی مثل تابوت هیئتمان در تشییع نمادین حضرت زهرا (علیها‌السلام) روی کامیون بود. بعداً که با هم‌کلاسی‌ها صحبت کردم فهمیدم آنها هم آن موقع داشتند به اینکه «آیا امام زمان عجل‌الله‌فرجه هم در تشییع هستند یا نه؟!» فکر می‌کردند. پشت کامیون راه افتادم. بغل دستیم اگر شخص مشهوری را می‌دید، آرنجی بهم می‌زد و سرش را به سمت سوژه تکان می‌داد. من هم سرم توی گوشی بود؛ خبرهایی که می‌دیدم را به او می‌رساندم. اکثراً همان کتاب منتخب‌الآثر، دبیری ایشان در شورای نگهبان و عضویتشان در مجلس خبرگان را منتشر کرده بودند.

بسیج‌شناسنامه

ماهنامه خط جهاد نشریه تخصصی جهادگران حوزوی سال اول ماه دوم شماره دو	khatejahad	@khatejahad_admin
صاحب امتیاز: دبیرخانه هماهنگی گروه‌های جهادی حوزه‌های علمیه کشور	www.jahadgaranhowzavi.com/mag	
مدیر مسئول: ابوالفضل علیخانی سردبیر: روح‌الله جلالوند مدیر هنری: عبدالحمید ابراهیمی نیا	۰۲۵-۳۲۹۴۲۱۰	khatejahad.mag@gmail.com
ویراستار: مهدی کمیلی فر		

پخش شده که توجه ویژه آیت‌الله صافی به محرومیت‌زدایی چشمم را گرفت؛ «در اسلام مسأله رسیدگی به حال ضعفاء و تلاش در قضای حوائج مردم و رفع گرفتاری و فقر از جامعه، از امور اساسی و بنیادی است که به آن ترغیب شده و هرکس هرچه دارد باید به کسی که ندارد بدهد.» ماها که ادعای جهادی بودنمان می‌شود، این حرفها خیلی کیفمان را کوک می‌کند. سریع بازنشرش کردم برای گروه رفقا. آنها هم که خواستند کم نیاورند، گوگل را شخم زدند و کلی مطلب جهادی از ایشان فرستادند. قدم‌هایم سرعت بیشتری پیدا کرده بود پشت پیکر کسی که توصیه‌های جهادی‌اش را می‌خواندم. به خودم آمدم دیدم رسیده‌ام مقابل بیمارستان کامکار. کوچکتر که بودم از پدرم شنیدم دوتا خیر بنایش کرده‌اند. اوایل کرونا اینجا غلغله بود؛ نه فقط از بیمار، بلکه از طلبه‌های جهادی‌گان به تن برای پرستاری و خدمتگزاری. به فال نیک گرفتم این تقارن را. از آن میدان جهاد تا این میدان مجاهدت، دارد حرفهای جهادی این مرحوم، بین عده‌ای جهادی رد و بدل می‌شود. لابلای اشعاری که مداح می‌خواند، من هم چندتا صلوات و فاتحه هدیه می‌کردم که یک دفعه مداح این بیت را خواند: خدمتگزار مردم در سنگر فقاقت | تا آخرین نفس داشت بر لب گل عبادت | روحش به سوی اوج قرب خداست امروز | عزا عزاست امروز... من هم صدایم را بلند کردم و گوشواره شعر را فریاد می‌زدم. مطمئن بودم همین مجتهد، یک الگوی جهادی بی‌نظیر است.

تشییع و نماز داشت تمام می‌شد، داشتم به این فکر می‌کردم فرداشب که شب جمعه و لیلۃ‌الغائب است و همه اولیاء الهی زائر کربلایند چه استقبالی از او خواهد شد. چه تشییعی خواهد داشت و چه تدفینی در حرم امامی که تشییع و تدفینش سرشار از روضه است... فقط این عبارت به ذهنم نقش بست «عاقبت بخیری از میدان جهاد»

۱. مهرماه ۱۳۷۸

خط جهاد

ماهنامه تخصصی جهادگران حوزوی / اسفند ۱۴۰۰ شماره دو

سخن نخست

دوراهی مجاهد

روح‌الله جلالوند

جوان هرچه لاغرتر و ریش‌مشکی‌تر باشد، چهره‌اش شهدایی‌تر است انگار! چیزی تو مایه‌های شهید وزوایی و متوسلیان. یکی‌شان سر راه ما سبز شده بود. اگر درخواستی از او داشته باشی و سرش را پایین بیندازد، می‌فهمی قرار نیست با تو راه بیاید و نباید پاپیچش شوی. کمی هم حق داشت، غیر از تفاوت ریا در تعبدیات و توصیلات، هنوز مرز «ریا» که همزاد شرک است با «ترویج» که تکلیف است، خوب برایش واضح نشده؛ شاید هم شده، ولی در عمل سخت است. مسلک حق الطاعة هم اقتضا می‌کند که فعلاً دست نگه‌داری تا تکلیف کار را اعظم روشن کنند. اما حالا که قرار است از کارهای نوآورانه‌اش گزارشی بدهد، نیاز دارد به فصل‌الخطاب. از طرفی می‌ترسد که وبال ریا‌گردنش را بگیرد و از طرفی هم احساس تکلیف کرده که آن کار پر فایده را گسترش بدهد...

جهادش همینجاست! بگو مگوهای سلول‌های بدنش را می‌شنوم؛ دسته‌ای‌شان فریاد می‌زنند «قصد ریا ندارد و اگر کسی از کارش الگو بگیرد برای همیشه در ثوابش شریکیم» و دسته‌ای‌شان جواب می‌دهند «اگر ریا شد، چه؟» و مگر این مشاجره به این راحتی‌ها تمام می‌شود؟!

تا اینکه می‌نشیند پای منبر محدث نوری، برای شنیدن فصل‌الخطاب از کلام امام باقر (علیه‌السلام): «ای برادر جهادی! اگر فکر می‌کنی حرف‌های تو به حال بردارت سودمند است و به کارهای خیر تشویقش می‌کند، هیچ اشکالی ندارد که فعالیت‌های خود را برایش بازگو کنی! مثلاً اگر از تو پرسید «آیا دیشب نماز شب خواندی؟» اگر خوانده‌ای بگو «بله؛ خدا روزی‌ام نمود!» نگو «نه» که این دروغ می‌شود.» بنایش را گذاشته بر اینکه اطاعت امر مافوق کند و گام کوچک خود را مخفی نکند؛ از طرفی هم از این همه کار روی زمین مانده، احساس شرمساری داشته باشد. چهره‌اش شهدایی‌تر شده با آن عمامه مشکی...

۱. ترجمه آزاد از روایت مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱، ص: ۱۱۵: كِتَابُ الْعِلَاءِ بْنِ زَرْبِیْن، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه‌السلام) قَالَ: لَا بَأْسَ أَنْ تُخَدِّثَ أَخَاكَ إِذَا رَجَوْتَ أَنْ تَنْفَعَهُ وَ تُحْتَمُّهُ وَ إِذَا سَأَلَكَ هَلْ قَمَتَ اللَّيْلَةَ أَوْ صُمَّتْ فَحَيَّتُهُ بِذَلِكَ إِنْ كُنْتَ فَعَلْتَهُ فَقُلْ قَدْ رَزَقَ اللَّهُ ذَلِكَ وَ لَا تَقُلْ لَا فَإِنَّ ذَلِكَ كَذِبٌ.

سعی کنید در حدی که می‌توانید، حقوق برادران و خواهران ایمانی را رعایت کنید؛ برای قضای حوائج مردم، خصوصاً طبقات ضعیف تلاش کنید. [مرحوم آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی (ره)]

خدمت،

میانبر هدایت

گفت‌وگوی اختصاصی «خط جهاد» با
حجت‌الاسلام و المسلمین استاد حاج ابوالقاسمی



اشاره

اگرچه فضای علمی و اجرایی مجلس خبرگان، اقتضا دارد که سنی از اعضایش گذشته باشد؛ ولی بارها ثابت شده که اگر کسی شایستگی‌اش را داشته باشد، می‌تواند به این جمع گرانقدر بپیوندد. استاد ابوالقاسمی (زید عزه) نیز در حدود ۴۰ سالگی، از طرف مردم استان زنجان به این عنوان رسیدند و یکی از جوان‌ترین اعضای مجلس خبرگان به شمار می‌روند. رویکرد ایشان برای عملیاتی‌نشان دادن مبانی دین، در دو عرصه «مدیریت مرکز تخصصی فقه نظام» و «ارائه تفسیر کاربردی آیات قرآن» به وضوح قابل مشاهده است. کسب رتبه اول رشته حفظ کل در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم توسط ایشان، در ۲۰ سالگی درست همان سالی رخ داد که به دست حضرت آقا (علیه‌السلام) معمم شدند؛ یعنی سال ۱۳۷۴. متن صفحه بعد مشروح گفت‌وگوی نشریه «خط جهاد» با ایشان در مدرسه علمیه مشکات است.

متن گفت‌وگو را در صفحه بعد بخوانید...

خدمت، میانبر هدایت

برشی از گفت و گوی اختصاصی «خط جهاد» با حجت‌الاسلام و المسلمین استاد حاج ابوالقاسمی



فقط شکل و شیوه آن با تجربه‌های جدید متفاوت شده است. این شیوه کنونی، بسیار کارآمد است و می‌تواند برای بسیاری از دستگاه‌های اجرایی کشور الگو باشد. اگر مردم روحانیت را در حل مسائل مادی در کنار خود نبینند، روحانیت نمی‌تواند در حل مسائل معنوی، فکری و فرهنگی هدایت آن‌ها را به دست بگیرد و چون نظام ما نظامی است که رسالت اصلی‌اش هدایت انسان‌هاست، اگر در مسیر هدایت، در صدد برطرف کردن مشکلات مادی نباشد، در مسیر هدایتگری معنوی هم دچار مشکل خواهد شد.

مبانی و مصادیق خدمت‌رسانی در قرآن چیست؟

مصادیق خدمت‌رسانی بسیار متنوع و متکثر است. در رأس خدمت‌رسانی، خدمت‌رسانی فرهنگی است که در قرآن هم آمده است (وَ مِنْ أَخْيَافَا فَكَأْتُمَا أَخْيَا النَّاسِ جَمِيعًا)

امام صادق علیه السلام در ذیل این آیه می‌فرمایند: اگر کسی انسانی را از ضلالت برهاند، او رازنده کرده. در کنار اینها خدمات مادی هم باید مورد توجه قرار بگیرد. در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام پرنسنگ است. در مورد حضرت ابراهیم علیه السلام در روایت هست که «مَا اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا إِلَّا لِإِعْطَائِهِمُ الطَّعَامَ وَ الصَّلَاةَ بِاللَّيْلِ وَ النَّاسِ نِيَامًا» خدا در آیه ۱۲۲ سوره نساء ما را به پیروی از سنت ابراهیم علیه السلام دعوت کرده و علت برگزیدگی شدن او دو ویژگی است که در روایت قبل ذکر شد.

خود حضرت ابراهیم (ع) الگوی تمام‌عیار خدمت اجتماعی است؛ از خدمت بیت‌الله گرفته، تا خدمت به فقرا و محرومان و خدمات فرهنگی؛ پیامبر گرامی ما هم، ایشان را الگوی خودش معرفی می‌کند: «من پیرو ابراهیم علیه السلام هستم، که از شرک، به توحید تمایل ورزید و در همین مسیر توحید، خود را خادم عبدالله قرار داد.»

۱. هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است. مائده ۳۲

۲. وسائل الشیعة، ج ۸، ص: ۱۵۱

اهل بیت علیهم السلام که سوره مبارکه دهر، آنها را به عنوان الگوی بشریت مطرح کرده: (وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حَيْثُ مَشْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا) إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ^۳ نکته مهم در آیات سوره دهر که مورد توجه نگاه تیزبین رهبر معظم انقلاب علیه السلام قرار گرفته، این است که: اهل بیت علیهم السلام در زمانی این ایثار را انجام دادند که، پدر این خانواده حاکم مدینه بود و چه بسا می‌توانستند این مسکین و یتیم و اسیر را به حاکم ارجاع دهند؛ اما تشخیص دادند که حاکم وظیفه‌ای دارد و آنها که خاندان نبوت هستند هم وظیفه‌ای دارند؛ لذا وظیفه حاکم و وظیفه حکومت اسلامی آنها را از انجام وظیفه خودشان مستغنی نمی‌کند.

از گذشته تا کنون،

خدمت به مردم جزو رسالت‌های نانوشته سنتی بوده است و وقت می‌گیرد، الان یک طلبه در این اوضاع ممکن است دوگانگی برایش ایجاد شود که: آیا فقط باید درس بخواند و کاری با اجتماع نداشته باشد، یا اینکه خدمت‌رسانی را جزو رسالت‌های طلبگی خود بداند و نسبت به آن اهتمام داشته باشد؛ نظر حضرت‌تعالی در این رابطه چیست؟

باید در حوزه تقسیم‌کار کنیم؛ من نه با این موافقم که، خدمت طلاب صرفاً به معنای حل مسائل مادی دانسته شود و نه با این موافقم که، خدمت به مردم صرفاً به معنای حل گره‌های فکری مردم دانسته شود. البته طبیعی است که هر طلبه‌ای باید در بخش حل مسائل فکری هم ایفای نقش کند؛ اما اینکه چه مقدار از زمان خودش را به مسائل مادی مردم بپردازد، وابسته به استعداد و انگیزه و دغدغه شکل گرفته در وجود او هست. مثلاً نمی‌توانیم به آدمی که تمام عمرش را صرف کار علمی کرده، بگوییم جهادی نیست؛ همچنین نمی‌توانیم به آدمی که بخشی از زندگیش را به خدمات اجتماعی پرداخته، بگوییم طلبه نیست. هرچند کسی که تمام وقت، به خدمات پرداخته، دیگر طلبه به حساب نمی‌آید؛ چون این مسئولیت را گروه‌ها و نهادهای دیگر، مانند کمیته امداد هم به عهده دارند.

۳. انسان ۸-۹

خدمت پدر پسری به مردم

عَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿۱۲﴾

به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع و سجده کنندگان پاکیزه نمایند. (۱۲)

[سوره بقره آیه ۱۲]

جهادگر شهید



کلام معصوم

دوست دارم، می‌بخشم!

روایت شیرینی از امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرمودند: «يَا مُوسَىٰ أَتَدْرِي أَنَّ عَبْدًا مِنْ عِبَادِي يَكُونُ لَهُ ذُنُوبٌ وَ خَطَايَا تَبْلُغُ أَغْنَانَ السَّمَاءِ فَأَغْفِرُهَا لَهُ، وَ لَا أَبَالِي قَالَ: يَا رَبِّ وَ كَيْفَ لَا تُبَالِي قَالَ تَعَالَى: لِحَضْرَةِ شَرِيفَةٍ تَكُونُ فِي عِبْدِي أُجْبَهَا، وَ هِيَ أَنْ يَحِبَّ إِخْوَانَهُ الْفُقَرَاءَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ يَتَعَاهَدَهُمْ، وَ يُسَاوِي نَفْسَهُ بِهِمْ، وَ لَا يَتَكَبَّرَ عَلَيْهِمْ. فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ غَفَرْتُ لَهُ ذُنُوبَهُ، وَ لَا أَبَالِي.»

ای موسی! آیا به گنه این مطلب، پی می‌بری که: بنده‌ای از بندگان مؤمنم برایش خطا و گناهی است که به کرانه‌های آسمان می‌رسد! آنها را برایش می‌آمرزم و از این آموزش باکی ندارم! (موسی) گفت: پروردگارا! چگونه چنین چیزی ممکن است؟! فرمود: به خاطر خصلت شریفی که در بنده من است و من آن را دوست دارم؛ و او آن است که: برادران فقیر مؤمنش را دوست دارد، و به آنان سر می‌زند، و خودش را با آنها یکی می‌داند و بر آنان تکبر نمی‌کند. هر گاه چنین فعلی از او سرزد، گناهان او را برایش می‌آمرزم و باکی ندارم!

[التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام؛ ص ۳۶]

ادبستان

حال درماندگان کسی داند...

سعدی شیرازی

هر که در زندگانی نانش نخورند، چون بمیرد نامش نبرند. یوسف صدیق علیه السلام در خشکسال مصر، سیرنخوردی تاگرسنگان فراموش نکند. آن که در راحت و تنعم زیست او چه داند که حال گرسنه چیست؟! حال درماندگان کسی داند که به احوال خویش در ماند.

شهید حجت‌الاسلام محمد مسرور | اولین طلبه شهید مدافع حرم

مستول بسیج دانشجویی شهید مغنیه کازرون

۱ فروردین ۶۶ | ۱۶ بهمن ۱۳۹۴ | عملیات آزادسازی نبل و الزهراء

...ای برادران طلبه سعی کنید روحیه جهادی خود را نگه دارید که اگر غیر این باشد این کتاب‌ها حجاب اکبری می‌شود و تو را از جهاد فی سبیل‌الله باز می‌دارد و شیطان زمزمه‌هایی چون «مداد العلماء افضل من دماء الشهداء» در گوش تو زمزمه می‌کند و تو را از جهاد باز می‌دارد. عجب علم حصولی افضل از علم حضوری می‌شود. اینک بدان که عرفان حقیقی؛ عرفان سیدالشهداست. عرفان امام علی علیه السلام است که در جهاد و جبهه‌ها نمایان است؛ عرفان امام خمینی رحمته الله علیه و یاران آن است... پس گول عرفان‌های کذابی را نخورید که عرفان‌های بدون زحمت و تن پروری است.

کتابخانه جهادی

مصادقة الإخوان

کم نداریم کتاب روایی که معمولاً هر کدامشان بخشی را به روابط بین مؤمنان و برادری ایشان اختصاص داده‌اند؛ ولی اینکه یک کتاب قدیمی و معتبر، به صورت مستقل به این موضوع پرداخته باشد، می‌تواند وجه امتیاز مهمی باشد. کتاب «مصادقة الاخوان» از این امتیاز برخوردار است. پرواضح است که این کتاب برای واژه اخوت، معنای وسیعی در نظر گرفته و دایره «هم‌کیشان» را نیز اراده کرده است. مصادقة الإخوان که نام مولفش، محل اختلاف می‌باشد - شیخ صدوق یا پدر

ایشان - مجموعه‌ای است معتبر و متشکل از ۱۲۵ روایت با موضوع روابط مؤمنین با یکدیگر. از میان بیش از ۴۰ باب این کتاب شریف، می‌توان به این ابواب اشاره نمود: «الشفقة علی الإخوان»، «مواصاة الإخوان»، «إطعام الإخوان»، «منفعة الإخوان»، «ثواب قضاء حوائج الإخوان»، «السعی فی حوائج الإخوان» و ...

